

ریشه شناسی هنر و معماری هخامنشی با تأکید بر تمدن های میان رودان نمونه موردی: مجموعه کاخ های پارسه

شبنم رادان فرد^۱، محمدعلی کاظم زاده رائف^۲، صبا میردریگوندی^۳

۱- دانشجوی کارشناسی معماری داخلی، مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان، ایران

۲- عضو هیأت علمی گروه مهندسی معماری، مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان، ایران

۳- مدرس مدعو گروه مهندسی معماری، مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان، ایران

چکیده

هنر هخامنشی به عنوان هنری درباری با ویژگی التقاطی، در تداوم هنر تمدن های پیشین و متأثر از فرهنگ ملل تابعه نظیر مصر، یونان و به ویژه آشور و بابل می باشد. دستاوردهای ارزشمند این تاثیر پذیری ها و الگوپذیری، در ابنیه و کاخ های شهر پارسه، با شکوه و جلال، توسط هنرمندان عهد هخامنشی به منصفه ظهور رسیده است. فتح آشور و بابل توسط کوروش کبیر موجب پیوند تمدن هخامنشی با تمدن های میانرودان گردید و در پی آن، هنر آشوریان مورد استقبال هنرمندان هخامنشی قرار گرفت. غالب این تاثیرپذیری ها علاوه بر قالب کلی کاخ سازی و ابنیه واجد میانسرا، در اجزای کاخ های پارسه نظیر نقش برجسته ها، پلکان ها و پیکره های متصل به معماری، نمود یافته است. در این نوشتار سعی شده تا با تحلیل کلی اجزای معماری کاخ های پارسه، بتوان ریشه هنر و معماری تمدن های میانرودان در بخش های مختلف آن را بررسی نمود. شیوه ی تحقیق این مقاله از نوع توصیفی تحلیلی می باشد که با استفاده از منابع کتابخانه های علمی تخصصی معماری شهرسازی و مطالعه وبسایت های علمی پژوهشی و مرکز اطلاع رسانی علوم و فن آوری بوده است.

واژگان کلیدی: هنر هخامنشی، تمدن آشور، تمدن بابل، معماری کاخ های پارسه

Arch

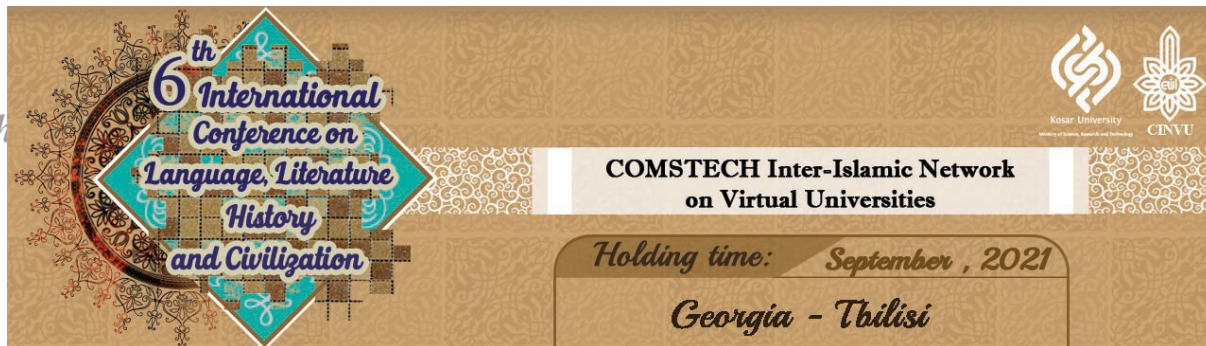


**COMSTECH Inter-Islamic Network
on Virtual Universities**

Holding time: September , 2021

Georgia - Tbilisi

40400

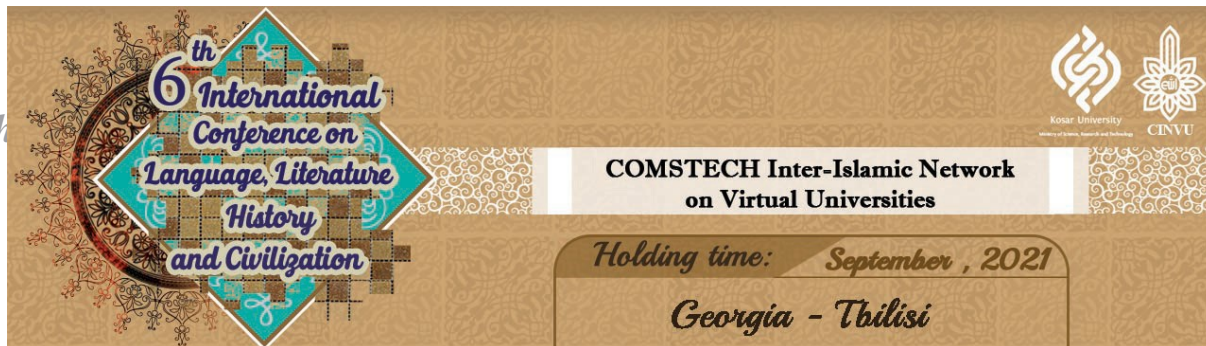


تقریباً در اوایل هزاره چهارم پیش از میلاد، حادثه‌ای عظیم در بین‌النهرین به وقوع پیوست و آن مسکون شدن دره‌های بزرگ رودخانه‌ها بود. پس از این حادثه بود که نوشتن، هنر، معماری ساختمانی و شکل‌های جدید سیاسی در بین‌النهرین و مصر، اما با تفاوت‌های چشمگیری در کارکردشان، به ظهور می‌رسند. (گاردنر، ۱۳۸۱، ۴۸) معماری دوره آشور (بین سده نهم تا هفتم پیش از میلاد) و بابل نو (۶۲۵ تا ۵۳۹ ق.م) در منطقه بین‌النهرین بسیار قابل توجه و مهم می‌باشد، الی‌خصوص آشوریان که شهرهای پراهمت خود، مانند کالهو (نیمرو)، نینوا و دور-شاروکین (خورسآباد) را با کاخ‌های باشکوه، مزین کرده بودند. (خوشبخت و خواجه‌ی، ۱۳۹۸، ۱۰۶۷) یکی از مهم‌ترین بخش‌های هنری آن‌ها، نقش برجسته‌هایی سنگی است که پیش از آن در میان‌رودان و حتی خاورمیانه به این شکوفایی نرسیده بود. (موسوی، ۱۳۹۰، ۲۲)

مراودات ایران و بین‌النهرین به پیشتر از دوران پارس‌ها می‌رسد. آشور امپراتوری قدرتمندی در بین‌النهرین باستان بود که مادها توانستند در سال ۶۱۲ پ.م برای همیشه به عمر آن پایان دهند و این سرزمین را ضمیمه امپراتوری خود کنند و با شکست مادها از پارسها تمام قلمرو آنها از جمله آشور به هخامنشیان تعلق گرفت و تأثیر هنر آشوریان نیز بر هنر هخامنشیان نیز غیرقابل انکار است. این تأثیرات به شدت در پلان کاخ‌ها، گاومردها، نماد فروهر، و حیوانات افسانه‌ای دیده می‌شود. در اهمیت بین‌النهرین در دوران هخامنشی همین نکته کافی است که به روایت ورود کوروش بزرگ به آنجا اشاره شود که بدون جنگ و خونریزی وارد بابل شد و استوانه مشهور خود را نیز پس از این فتح نگاشت. (ویسی، ۱۳۹۸، ۱۵۶)

یکی از ویژگی‌های ایرانیان کهن و هنرمندان آنها باور به تقلید درست بوده که آن را بهتر از نوآوری بد می‌دانستند. تقلید یا برداشتی که منطبق داشته باشد و با شرایط زندگی سازگار باشد. (پیرنیا، ۱۳۸۷، ۵۷) معماری هخامنشی به نوعی، شکل تکامل یافته معماری ایلامی و مادی است و به عبارت دیگر هخامنشیان از آن مجموعه فنون و هنرهای ساختمانی با روشی خاص و استادانه استفاده کردند. آنان مصطبه سازی، آجرهای لعابدار ایلامی و تالارهای ستون‌دار با ایوان‌های جانبی، و مقابر صخره‌ای مادی را تکامل بخشیدند و از همسایگان و ملل تابعه هم غافل نماندند، بلکه از معماری و معماران بابلی، آشوری، لیدی، ساردی، مصری استفاده‌های شایانی بردند. (زارعی، ۱۳۸۳، ۷۹) در واقع ایرانیان با شکیبایی، ظرافت، زیبایی و فلسفه را ترکیب کرده‌اند و هنر هخامنشی را پدید آورده‌اند. (سید و بابایی توسکی، ۱۳۹۳، ۶۸) بی‌شک، فن معماری و هنری که در این دوران شکل گرفت و رشد کرد، تحت تأثیر همه این ملل بود. ولی ایرانیان توانستند با استفاده از این هنرهای گوناگون، هنر و اندیشه‌ای متفاوت و خاص خودشان را ابداع نمایند و در ساخت تخت جمشید به این هدف متعالی دست یافتند. (کاظم زاده رائف و میردربکوندی، ۱۳۹۹، ۲)

ساختمان تخت جمشید در زمان داریوش اول در حدود ۵۱۸ ق.م آغاز شد. نخست، صفه یا تختگاه بلندی را آماده کردند و روی آن تالار آپادانا و پله‌های اصلی و کاخ تچرا ساختند. پس از داریوش، پسرش خشایارشا تالار دیگری را به



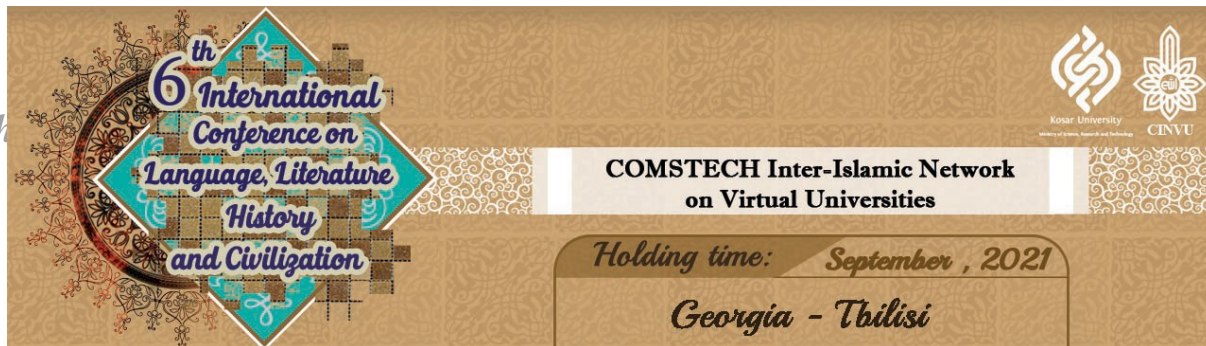
نام تالار هدیش بنا نمود و طرح بنای تالار صد ستون را ریخت. اردشیر اول تالار صد ستون را تمام کرد. اردشیر سوم ساختمان دیگری را آغاز کرد که ناتمام ماند. (امیرخانی و همکاران، ۱۳۸۷، ۵۵) منشا اولیه نمونه عناصری مانند حجاری و نقش برجسته و معماری پیکره ای موجود در کاخ های هخامنشی را فقط می توان، در هنر و معماری آشور و بابل نو مشاهده کرد. (خوشبخت و خواجوی، ۱۳۹۸، ۱۰۷۷) در آشور و بابل بود که چنین بناهای با عظمتی می ساختند و دور تا دور آن را پلکان وسیع با حجاری های مفصل می گذاشتند. داریوش یکم هنرمندان ماهر را از همه جا به تخت جمشید آورد و با نقشه ها و ایده های جدید دست به کار شدند. مثلاً لو شای درباره دروازه های ملل به حق می نویسد: ایجاد گاوهای نر دروازه ها و تغییر در الگوی آشوری و بدیل آن به اثری هخامنشی کاری بود که فقط از قوه خلاقانه داریوش برمی آمد. (سید و بابایی توسکی، ۱۳۹۳، ۷۲)

سؤال تحقیق: در هنر و معماری کاخ های پارسه چه تأثیراتی از تمدن های آشور و بابل وجود دارد؟

۱- سیری در هنر و معماری تمدن های میان رودان

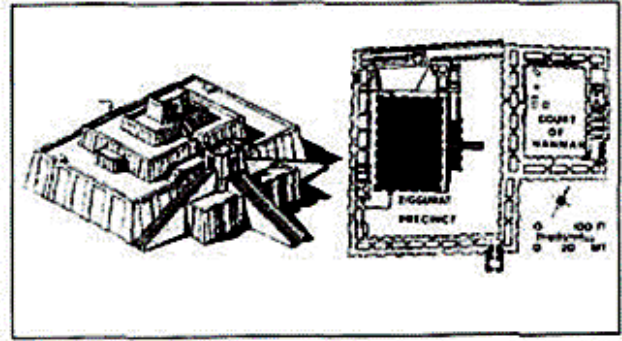
بین النهرین به سراسر نواحی واقع در میان دو نهر دجله (نزدیک به مرز ایران) و فرات اطلاق می شده است، که خطه ای بود با سرگذشتی پر از حوادث و آشوب، پر از تهاجم اقوام و تداخل فرهنگ ها و زبان های گوناگون، پر از ستیز و گریز، و انباشته از مصنوعات باستانی و آثار هنری و نمودگارهای دینی؛ دامان پرورشگر پرستشگاه ها و پیکره ها و دیگر هنرهای اصلی و دستی، و نوشتار و لوح های برنوشته، و قانون مدون و دیوانخانه، و نجوم و حساب و کشاورزی و آب رسانی و زهکشی و زکوره و قوس و طاق گهواره ای و گنبد. تدریجاً دو کشور پادشاهی یا امپراتوری گسترده در جنوب، نخست سومر و سپس بابل؛ و نیز دو پادشاهی بزرگ در شمال بین النهرین، نخست آکد و به دنبال آن آشور (آسور) پایدار و تاریخ ساز شدند. (مرزبان، ۱۳۹۵، ۹) تمدن های این منطقه نه تنها تأثیر عمیقی بر اقوام و ملل همجوار داشته اند، بلکه از طرفی هم بی تأثیر از آن ها نبوده اند. (زارعی، ۱۳۸۳، ۱۳)

در بین النهرین زمان سومریان و حتی پیش از آنان معماری در خدمت مذهب بود. در حقیقت معماری و هنر را مذهب تعیین می کرد. برجسته ترین بخش مجتمع و در واقع شناخته شده ترین ساختمان در دره بین النهرین معبد بود که، زیگورات نامیده می شد. اکثر مورخان و محققان معتقدند که زیگورات را سومریان به وجود آوردند و بعد ها نیز مورد استفاده بابلی ها قرار گرفت. (همان، ۱۶) بابل نیز همانند بسیاری از شهرهای جنوبی میانرودان که در کنار رودخانه ها و راه های بازرگانی تشکیل شده بودند، به وجود آمد. (موسوی، ۱۳۹۰، ۲۰) تمدن بابل، اختلاف زیادی با تمدن سومری ها نداشت. زبان بابلی ها غیر از زبان سومری بود ولی با همان خط نوشته می شد، در هنر و مذهب آن ها تفاوتی نبود و چنین به نظر می رسد که فقط خدایان را به نام های تازه ای می خواندند. "ناپولازار" حاکم بابل جدید که علیه آشوری ها سر به مخالفت برداشته بود، پس از سقوط نینوا، دومین امپراتوری بابل را تشکیل داد. (زارعی، ۱۳۸۳، ۲۰) پس از فراز و



نشیب‌های فراوان، بابل سرانجام (۵۳۹ ق.م) به شاهنشاهی هخامنشی می‌پیوندد. از آن پس نقش مهم بابل، کم‌کم رنگ می‌بازد تا آنجا که در آستانه سده نخست میلادی تقریباً فراموش می‌شود. اما تأثیرات فرهنگی و هنری آن برجای ماند. (موسوی، ۱۳۹۰، ۲۱)

معماری بناهای بازمانده از دوره بابل کهن به دو دسته عمده معابد و کاخ‌ها تقسیم می‌شوند. (زارعی، ۱۳۸۳، ۲۰) آثار معماری دوران بابل جدید (کلدانی) نه تنها از نظر عظمت و زیبایی بسیار با ارزش و بی نظیرند، بلکه از نظر رابطه آن‌ها با هنر قدیم بین‌النهرین و بازگشت به هنر اصیل اهمیت داشت. در تمدن بابل نقش برجسته کاری همه وقت از پیکره تراشی بیشتر رواج داشت، و بعداً آن هنر توسط آشوریان اقتباس شد و در دست ایشان به اوج کمال خود رسید. (مرزبان، ۱۳۹۰، ۱۴) مهمترین اثر این دوران معبد "نین‌ماه" در بابل است. دروازه ایشثار نیز یکی از آثار برجسته معماری شهر بابل در دوران جدید است. بیرون نمای این بنا با کاشی لعاب دار به رنگ آبی تیره پوشیده شده است و نقوش تزئینی آن عبارتند از جانورانی مانند گاو و اژدها. (زارعی، ۱۳۸۳، ۲۷) معماری (سومری - بابلی) به سبب فقدان سنگ‌های مناسب ساختمان، در جنوب بین‌النهرین با آجر و گل و خشت برای زیرکار، و با آجر جوش (ته کوره) و نیز گاهی آجر لعاب دار برای روکار اجرا می‌شد، و چوب نیز در آن به کار می‌رفت. به همین سبب بیشتر آثار معماری آن دو تمدن مختلط، و به خصوص "زکوره"‌ها یا برج‌های بلند از جمله برج معروف به بابل، تا شالوده شان فرو ریخته‌اند و جز ویرانه‌ای بی‌شکل یا توده‌ای انباشته از گل چیزی از خود بر جا نگذاشته‌اند. اما اساس این معماری بر جرز و قوس (یا پایه و هلال)، که با آجر دوزنقه شکل به نام قطاع بسته می‌شد، و طاق گهواره‌ای و گنبد قرار داشت. (مرزبان، ۱۳۹۰، ۱۱ و ۱۲)



تصویر ۲: نمایی از دروازه ایشثار در بابل (بابل جدید)

تصویر ۱: پرسپکتیو و پلان زیگورات اور (سومر)

منبع: آشنایی با معماری جهان زارعی ص ۱۷



منبع: سایت آزاد اینترنتی

میهن آشوریان، شهرهای کوچک مرکزی و شمالی میانرودان بود. آن‌ها نیز همانند بابلیان از نژاد سامی بودند. (موسوی، ۱۳۹۰، ۲۱) فراوانی سنگ در آشور موجب شد که بناهایی محکمتر از ساختمان های بابل ایجاد شود. (زارعی، ۱۳۸۳، ۲۴) در دوره آشور میانه توسط ادد نیراری اول (۱۲۷۵ تا ۱۳۰۷ ق.م)، اولین نمونه کاخ سازی آشور مطرح می شود، به این صورت که چند مجموعه اتاق که هر مجموعه در اطراف حیاط مربع یا مستطیل قرار می گرفت، این سبک و ویژگی های مهم کاخ های آشوری (شاخصه های این ویژگی حیاط هایی هستند که با نام بابانو و بیتانو معرفی می شوند) را نشان می دهد. در دوره آشور جدید نیز کاخ ها با همان پلان قبلی فقط با اضافه شدن فضایی مستطیل شکل با نام اتاق تاج و تخت ساخته شدند، نمونه مهم آن که ویژگی های دوره آشور جدید را داراست کاخ شمال غربی در نیمرود که توسط آشور نصیر پال دوم (۸۸۳ تا ۸۵۹ ق.م) ساخته شده است و در دوره سارگن دوم (۷۲۲ تا ۷۰۵ ق.م) نیز دور-شاروکین (خورساباد) آنچنان که مشخص است با تقلید از کاخ شمال غربی نیمرود ساخته شده است. (خواجهوی، ۱۳۹۸، ۱۰۶۹)

ارگ ناتمام سارگون دوم پادشاه آشور که در خورساباد ساخته شده است، با نقشه بلند پروازانه ای که دارد، بازتابی از اطمینان شاهان بزرگ به قدرت همواره پیروزمند خویش است. با آنکه سازندگان کاخ در صدد ایجاد تقارن بوده اند ولی خود کاخ نقشه ای آشفته و پرت دارد و مجموعه ای از اتاق ها و تالار های چهارگوش را در برمی گیرد که خوشه وار گرداگرد حیاط های چهارگوش ساخته شده اند. علاوه بر مجموعه ی حیاط ها، اتاق تاجگذاری، اتاق های دولتی، حرم، آبریزگاه ها و حمام ها و اتاق نگهبانان که کل کاخ را تشکیل می دادند، معبد اصلی زیگورات نیز در این ارگ قرار

**6th International
Conference on
Language, Literature
History
and Civilization**

**COMSTech Inter-Islamic Network
on Virtual Universities**

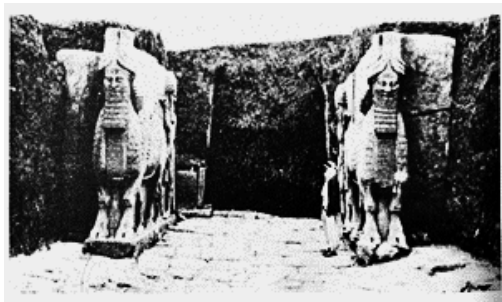
Kosar University
University of Quality, Research and Technology
CINU

Holding time: September, 2021

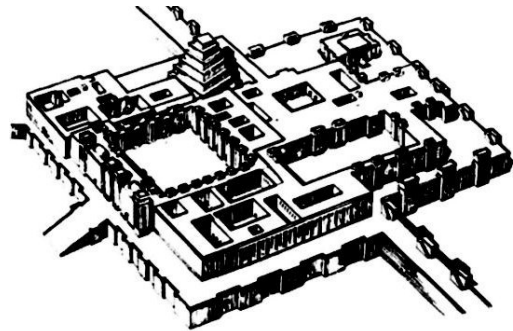
Georgia - Tbilisi

داشتند. از دروازه اصلی کاخ، دو گاو بالدار غول پیکر با سر آدم پاسداری می کردند که مشابه آن را در آثار به جا مانده از تخت جمشید می توان دید. (زارعی، ۱۳۸۳، ۲۲ و ۲۴)

هنر آشوری آمیخته ای از هنر سومر و بابل بوده است. ساختمان ها درهای بزرگی داشت و بر جدار دیوار های سنگی درها نقوش و تصویرهایی رسم می کردند. دیوار بناها با کاشی های لعابی و منقوش پوشیده می شد. موضوع هایی که در حجاری و پیکره سازی مورد استفاده قرار می گرفت مجسمه خدایان و پادشاهان و نقش گاو بالدار با سر انسان و لشکر کشی و مراسم دینی بود، یعنی موضوعاتی که حول محور فرمانروا دور می زد. در کتیبه ها و نقوشی که بر دیوار ها حک شده معمولا صحنه هایی از جنگ یا شکار دیده می شود. (زارعی، ۱۳۸۳، ص ۲۵) ویژگی های اصلی هنر پیکرتراشی آشوری نمایش قدرت و شقاوت و نیروی جنگی و تحرک، و به خصوص دقت و توانایی در وصف واقعیات مشهود و حالات طبیعی است که در قرن هفتم ق.م به حد کمال رسید. (مرزبان، ۱۳۹۰، ۱۶)



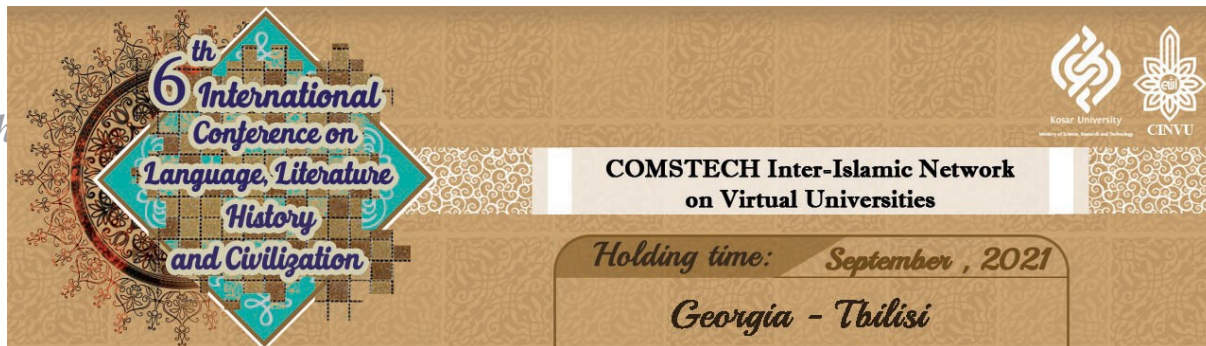
تصویر: دروازه ارگ سارگون دوم.
دورشروکین (خرسباد امروزین) حدود ۷۰۰ ق.م
منبع: (مرزبان، ۱۳۹۰، ۱۶)



تصویر: پرسپکتیو ارگ ناتمام سارگون
(آشور). منبع: (زارعی، ۱۳۸۳، ۲۳)

۲ - هنر و معماری التقاطی هخامنشی

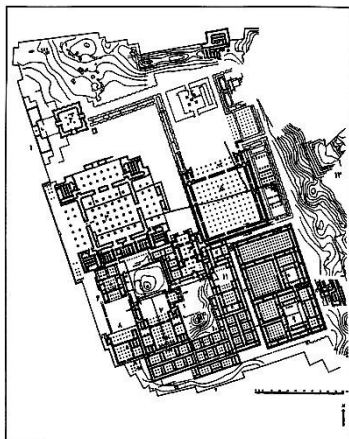
در ۵۵۹ ق.م کوروش از آسیای صغیر تا خلیج فارس را مسخر، و دو کشور آشور و بابل (جدید) را به ایران منضم کرد. (مرزبان، ۱۳۹۰، ۳۱) وی با شکست دولت های مهم ماد، لیدی و بابل، پایه تشکیل یک امپراتوری پهناور را بنا نهاد. شاهان پس از وی به ویژه کمبوجیه (۵۲۲-۵۲۹ ق.م)، داریوش یکم (۴۸۶-۵۲۱ ق.م) و خشایارشا (۴۶۵-۴۸۵ ق.م) امپراتوری را نگه داشته و بر گستره آن افزودند. (موسوی، ۱۳۹۰، ۲۹) آن چه که امپراتوری هخامنشی را خاص و با شکوه می کند، تلفیق هنر سرزمین های دیگر و گذشتگان آن ها با عناصر بومی پارسیان است. (محمدی فر و میرصفدری، ۱۳۹۳،) هنر هخامنشی به عنوان هنر مجلل درباری، روند یک ائتلاف مبتکرانه با هنر سایر ملل را نشان می دهد. با وجود اقتباس



هخامنشیان از هنر ملت های دیگر، نه تنها آنان به تقلید کورکورانه نپرداختند، بلکه در آنچه از دیگران برمی گرفتند، دخل و تصرف نیز می کردند. از همین رو، هماهنگی و وحدتی که در سبک معماری هخامنشی به چشم می خورد، نشان دهنده موفقیت آنها در به کارگیری عناصر معماری دیگر ملت ها بوده است. (ولایتی، ۱۳۸۹، ۸۸)

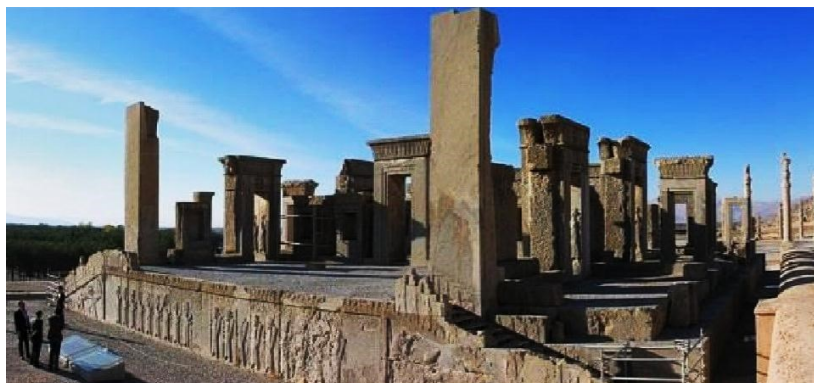
محققان برای هنر هخامنشی، سه مرجع اصلی برشمرده اند: مرجع ابتدایی این هنر، هنر بین النهرین است که نفوذ آن در نخستین بناهای این سلسله در پاسارگاد آشکار است. دومین مرجع، هنر مصر است که بسیاری از آرایه ها و نقوش موجود در تخت جمشید برگرفته از آن هستند. سومین مرجع، هنر یونان به شمار می رود؛ زیرا در دربار لیدی و کلیکیه، پارسیان تحت نفوذ یونانیان قرار گرفتند و حتی در این دوره، صحنه های نقاشی نیز به سنت شمایل نگاری یونانی نزدیک می شوند. (ولایتی، ۱۳۹۶، ۲۱۷) مهمترین بناهای به جای مانده این دوران کاخ های شاهی است، تاریخ ساختمان این کاخ ها به اواسط قرن ششم قبل از میلاد باز می گردد، آنچنان که از آثار معماری این دوره بر می آید، آغاز آن از مسجد سلیمان و بعداً در پاسارگاد و تخت جمشید گواه آن است. (زارعی، ۱۳۸۳، ۷۹)

داریوش بزرگ پس از ساختن کاخ آپادانای شوش، دستور داد برای پذیرایی از مهمانان و نمایندگان کشورهای تابعه امپراتوری ایران در زمان جشن های آغاز سال نو (نوروز)، مجموعه کاخ های شاهانه عظیم و باشکوه پارسه (تخت جمشید) را در دامنه کوه رحمت پارس بسازند. برای فراهم آوردن زمینه ایجاد تخت جمشید نخست بخشی از دامنه جنوب غربی کوه رحمت به مساحت حدود ۲ کیلومتر مربع با بریدن و شکستن سنگ ها تسطیح گردید و در جبهه های غرب و جنوب سطح ایجاد شده، با سنگهای بزرگ تراشیده، دیواری کشیده شد. تا مکان آماده شده به صورت سکویی درآید. برگرد سکوی تخت جمشید دیوار دفاعی بلندی از خشت خام ساخته شد. آنگاه به آن بناهای عظیم و باشکوه تخت جمشید یکی پس از دیگری بر روی سکو بنیان نهاده شد. (کاظم زاده رائف و میردریکوندی، ۱۳۹۹، ۳) ساختمان های تخت جمشید نزدیک به پنج سده پیش از میلاد ساخته شده اند و عبارتند از: پلکان بزرگ ورودی، دروازه ملل، آپادانا، تالار صدستون، ورودی کاخ مرکزی، تچرای داریوش، هدیش خشایارشا و حیاط روبروی آن، تالار شورا، خزانه شاهی و ساختمان های دیگر. در نقشه این ساختمان ها درون گرایی به خوبی دیده می شود. (پیرنیا، ۱۳۸۷، ۷۳)



تصویر ۶: نقشه صفا تخت
جمشید

منبع: پیرنیا، ۱۳۸۷، ۷۵.

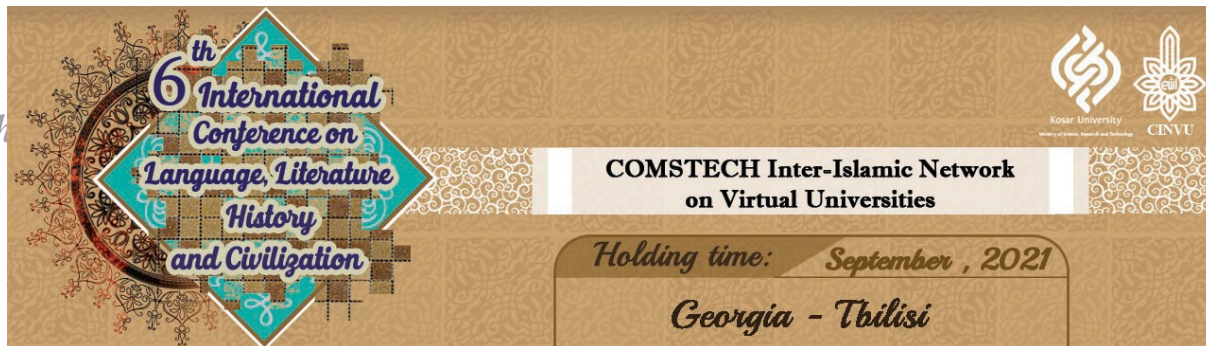


تصویر ۵: پلکان سنگی با نقش برجسته سربازان پارسی و درگاه های
سنگی

منبع: کاظم زاده رائف و میردریکوندی، ۱۳۹۹، ۷.

آنچه که در کاخ های تخت جمشید یکسان دیده می شود، بلندی ستون ها، آبروهای زیرزمینی و درهای بلند با روکش طلایی است. برای ورود به تخت جمشید، مهمانان که از کشورهای دیگر و پارسیان و مادها بودند. در آغاز بایستی از ۱۱۰ پله میگذشتند. این پله ها را کوتاه می ساختند به گونه ای که بلندی هر پله از پله دیگر تنها ده سانتی متر است تا هم اسب ها بتوانند از آن بالا بروند و هم کهنسالان که پیشروان مهمانان بودند به آسانی بتوانند بر آن ها گام نهند. در دیوار غربی سکوها که هنرمندانه به صورت یک جفت پلکان دوجانبه در آورده شده است. این پلکان شاهکار معماری است، اثری کاملاً بدیع که در هیچ نقطه از ایران یا جهان مشابه آن تاکنون کشف نشده است. کناره ی پلکان دارای نرده یا جان پناهی به صورت کنگره های چهار پله بود که همان اجزای تزیینی تخت جمشید است. (کاظم زاده رائف و میردریکوندی، ۱۳۹۹، ۸)

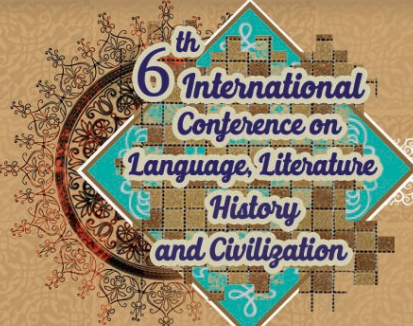
سیر تحول کاخ های هخامنشی نمایان گر گذر از پلان های نامتقارن و مستطیل شکل به پلان های متقارن و مربع شکل است. (معمد منش، ۱۳۹۷، ۱۸). مهم ترین بناهای تالار بزرگ بار، آپادانا بود. سمت چپ آپادانا، کاملاً در حاشیه صفا، به دستور داریوش کاخ اختصاصی او را بنا کردند. این کاخ در مقایسه با آپادانا بسیار فروتن است. پیرامون آپادانا فضای آزاد وسیعی است تا محل اجتماع مهمانان، جشنهای بزرگ باشد (کاظم زاده رائف و میردریکوندی، ۱۳۹۹، ۶) تالارهای ستون دار هخامنشی به پیروی از تالار های ستون دار گودین تپه، نوشیجان تپه، باباجان و... به وجود آمده است؛ البته نباید



در این میان نقش سایر تمدن‌ها به خصوص اورارتو، لولوبی‌ها، آسیای صغیر و بین‌النهرین را نادیده گرفت. (سید و بابایی توسکی، ۱۳۹۳، ۷۸). تالارهای ستون‌دار احتمالاً از نمونه‌های معماری مصریان یا مادها متأثر، و خیاره‌دار کردن ستون‌ها از شیوه یونانی (ایونی) گرفته شده است. (گاردنر، ۱۳۸۱، ۶۸)


فتح مصر توسط هخامنشیان و اقامت داریوش در مصر و ساخت بنای معبدی که توسط داریوش در واحا الخارقه ساخته شد، علاقه مندی و تمایل داریوش به معماری مصر را در او بیدار کرد. شاید بتوان گفت؛ حتی نقشه کاخ او (و بخشی از معماری تخت جمشید) تحت تأثیر هنر معماری مصری و طرح و نقشه معابد مصری بوده است. آرنولد (۱۹۹۹) بیان می‌دارد که مهمترین تأثیر معماری مصری در معماری هخامنشی، در گاه‌های تزئینی سنگی بناهاست، که نمونه آن در تخت جمشید قابل مشاهده است و شکلی خاص در هنر معماری مصر است که لبه‌های افقی و عمودی ساختمان محدود و به حفره شیارهای مدورافقی بالای درگاه افزوده می‌شود. همچنین گچ‌بری مقعرکتیبه‌ها در تزئین معماری نمای ساختمان‌ها به ویژه در تخت جمشید، نشان از نفوذ هنری مصری در ایران دوره هخامنشی دارد. مصریان در طرح سرستون‌های خود از برگ نخل و شکل گیاه پایروس و گل‌لوتوس زیاد استفاده کرده‌اند و در هنر هخامنشی، نیز شکل سرستون‌ها از ترکیب سرستون‌های مصری استفاده شده است. ضمن اینکه سرستون‌های ایرانی ترکیبی ظریف‌تر و پیچیده‌تر و تناسبی قوی و منطبق با مقیاس‌های فنی دارند. (ولایتی، ۱۳۸۹، ۹۱ و ۹۲)

آنچه در تخت جمشید دیده می‌شود درونگرایی کامل است. از نیارش و ایستایی به خوبی استفاده شده است. سقف‌های چوبی و دیوارها نیز از داخل کاشی لعاب‌دار و از بیرون با تخته سنگ‌های تراش‌شده روکش شده‌اند. ستون‌ها از جمله عناصر مهم ابنیه دوران هخامنشی محسوب می‌گردد و در تخت جمشید سقف‌های وسیع بر فراز ستون‌های متعدد استوار بوده‌اند. هنرمندان از ملیت‌های گوناگون در ساخت و پرداخت آنها سهم داشته‌اند. در نوشته‌های داریوش آمده است که ستون‌ها را سنگ تراشان یونانی و لیدی ساخته‌اند. (کاظم زاده رائف و میردریکوندی، ۱۳۹۹، ۲) برخی از صاحب‌نظران معتقدند که اگرچه یونانیان در ساخت ستون‌های تخت جمشید شرکت داشته‌اند، جزییات کار را هنرمندان ایرانی به انجام رسانیده‌اند. بر فراز ستون‌ها قسمت جلویی شیر و گاو و حیوانات افسانه‌ای استقرار یافته که نظیر آن‌ها قبلاً در هنر سکایی دیده شده است. (همان، ۱۰) این معماری بر مبنای ساخت حیوانات ترکیبی شکل گرفته و می‌توان آن را نوعی معماری آیینی تلقی کرد. استفاده از این حیوانات در دروازه‌ها، و سرستون‌های هخامنشی مربوط به این دوره نیست و می‌توان آثاری از این نوع را در دوران هیتی‌ها در آسیای صغیر و در معماری آشور در بین‌النهرین ملاحظه کرد. (محمدی فر و میرصفدری، ۱۳۹۳، ۲۵)



6th International Conference on Language, Literature, History and Civilization

COMSTech Inter-Islamic Network on Virtual Universities



Holding time: September, 2021

Georgia - Tbilisi



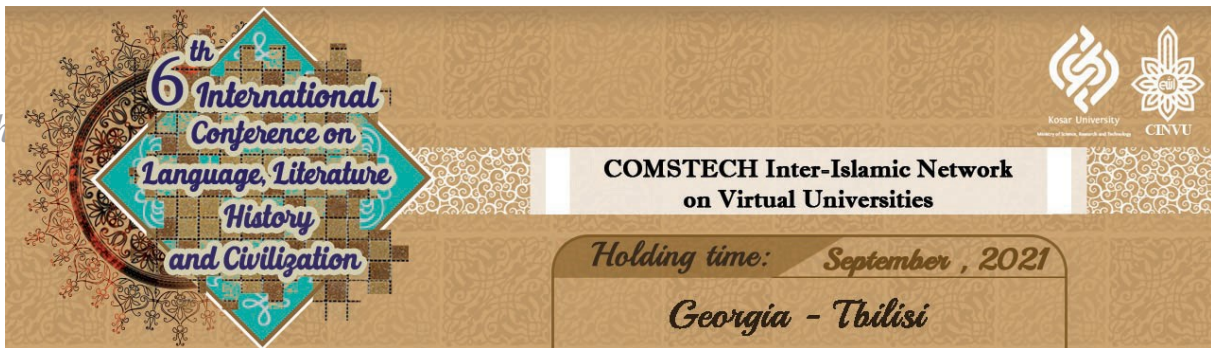
تصویر 8: سرستون غالب کاخ آپادانا (گاو) و بخش توماری آن
منبع: نگارندگان.



تصویر 7: نمادهای افسانه‌ای اساطیری در قالب موجودات ترکیبی در دروازه
منبع: کاظم زاده رائف و میردریگوندی، ۱۳۹۹، ۱۱.

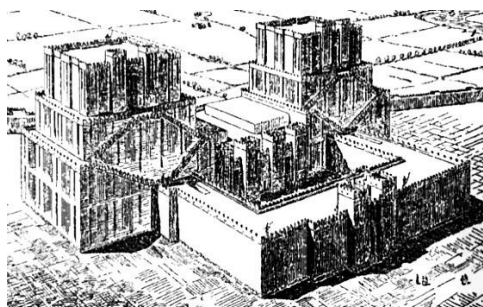
هنر هخامنشی، هنر درباری و متأثر از هنر ملل تابعه‌ی امپراتوری بوده و نقوش برجسته‌ی دیوارها و دروازه‌ی کاخ‌ها به ویژه در تخت جمشید، بیانگر نفوذ و تأثیر عناصر هنر مادی، ایلامی و بین‌النهرین (آشور و بابل)، مصر و اورارتو و هنر متعالی و ظریف یونان است. (ولایتی، ۱۳۹۶، ۲۱۳) الهام گرفتن آجر لعاب دار از ایلامیان و بابلی‌ها، گچ بری اطراف درها و طاقچه‌ها از مصر و بریدگی طوری ستون‌ها از یونانیان و سرانجام تختگاه‌ها و سنگ‌کاری آن در مسجد سلیمان، پاسارگاد و تخت جمشید و همچنین طرح کاخ‌های تخت جمشید از هنر اورارتویی نشان از گستره تأثیر پذیری‌های هنر هخامنشی دارد. در حقیقت، پارس‌ها برای این که هنرشان در نتیجه تکاملی تدریجی به درجه پختگی برسد از هنر مصر، ایلام، بابل، هیتی و به ویژه از هنر اورارتو و آشور استفاده و تقلید کردند. آثار هنری آنها چه در سبک و چه در مضمون با آثار هنری اقوام دیگر جامعه بزرگ شرق در ارتباط تنگاتنگ قرار دارد، و ادامه آن محسوب می‌شود. پژوهش‌های صورت گرفته در آثار دوره هخامنشی از جمله تحقیقات "کلیمان" نشان می‌دهد که هنر عصر هخامنشی زاییده خود به خودی نبوغ مردم نبوده، بلکه به سفارش هنرمندانی تجلی پیدا کرد که خود شاگردان هنر مکتب آشور و مصر و حتی در دوره پیش از این تا اندازه‌ای مقلد هنر یونان بودند. بنابراین می‌بایست هنر کاملی خلق شود که درخشش و شکوهی به پادشاهی نوین ببخشد. (ولایتی، ۱۳۸۹، ۹۳)

۳- جایگاه هنر و معماری تمدن‌های میان‌رودان در مجموعه کاخ‌های تخت جمشید

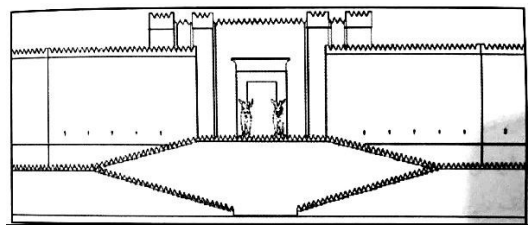


۳-۱- پلان کاخ: بنا بر شواهد موجود که نشان از اقتباس آگاهانه شاهان هخامنشی از کاخ های بین النهرینی (آشور و بابل نو) دارند، می توان گفت این اقتباس در شکل اولیه (پلان به صورت مجموعه های حیاط دار) صورت پذیرفته و همراه با عناصر بومی و غیربومی دیگر به شکل نوآوری توسط هخامنشیان استفاده شده است. (خوشبخت و خواجوی، ۱۳۹۸، ۱۰۷۰) از جهت نقشه کف، کاخ تخت جمشید با نظایرش در آشور و بابل تفاوت داشت، بدین معنی که عنصر اصلی آن را تالار بار عامی بسیار بزرگ به نام آپادانا تشکیل می داد. محتملاً نوع تکامل یافته همان "خیمه" مالوف قومی بیابانگرد (با سقفی گسترده و متکی بر جنگلی از ستون). (مرزبان، ۱۳۹۰، ۳۱) بناهای تخت جمشید بر خلاف کاخ آشوری که به طرز فشرده ای گرداگرد حیاط ها ساخته می شد به طور پراکنده ساخته شده بودند و خیابان ها و فضاهای خالی نامنظمی آنها را از یکدیگر جدا می کرد (گاردنر، ۱۳۸۱، ۱۶۵)

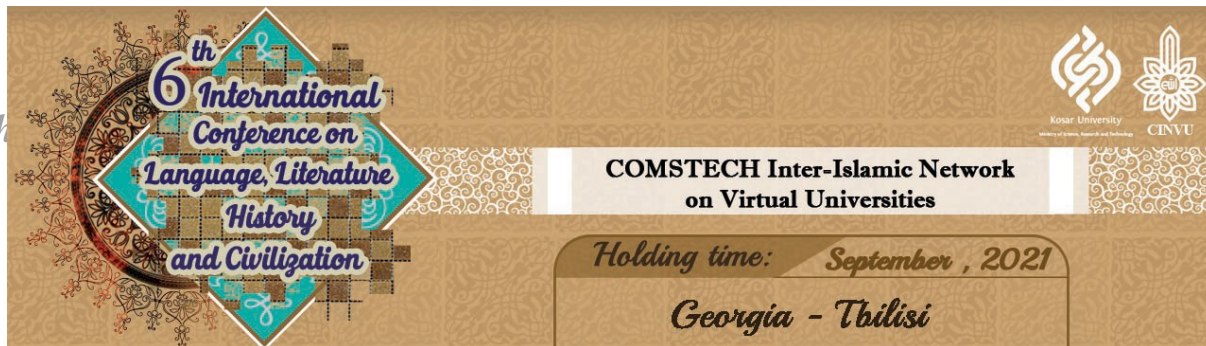
۳-۲- پلکان: با آمدن نام پلکان بی اختیار به یاد پلکان های باشکوه ورودی تخت جمشید می افتیم. بسیاری این نوع پلکان را یک نوآوری معمارانه به دست هخامنشیان دانسته آمد. این سخن تاحدودی درست است زیرا در هیچ جای دیگر نمونه ای به این زیبایی و شکوه دیده نشده، ولی شاید ما می باید به دنبال نمونه های ابتدایی تری به عنوان پیشینه ی این هنر باشیم. برخی پیشینه آن را در میان رودان دانسته اند. یکی از کهن ترین نمونه های این گونه پله های دو سویه، در کاوش های شهر اوروک و میان دو محوطه مقدس آنو و اینانا (که به معبد موزاییک مشهور است) به دست آمده است. در آشور زیگورات های متفاوتی نسبت به بابلیان می ساختند. سه راه پله ای که برای رسیدن به بالای برج ها ایجاد میکردند، در آشور تبدیل به یک شیوه دشوارتری گشت. در طرحی که از زیگورات آنو- ادد کشیده شده است، پلکان های دوسویه را به گونه ای تصویر کرده اند که بسیار همانند پله های هخامنشی تخت جمشید است. (موسوی، ۵۶ و ۵۷ و ۵۸)



تصویر 10: بازسازی پرستگاه و زیگورات دوگانه ی آنو- ادد در شهر آشور



تصویر 9: نمایی بازسازی شده از بخش ورودی تخت جمشید



منبع: موسوی، ۱۳۹۰، ۵۸

منبع: موسوی، ۱۳۹۰، ۵۶

۳-۳- معماری پیکره ای و سرستون: یکی از شاخص ترین و مشهودترین الگوهای اقتباس شده توسط هخامنشیان از معماری بین النهرینی (آشور و بابل نو) پیکره‌های سنگی سه بعدی (بدن گاو نر یا شیر بالدار با سر انسان) می‌باشند که بیشتر در دروازه های کاخ ها مورد استفاده قرار می‌گرفتند. (خوشبخت و خواجوی، ۱۳۹۸، ۱۰۷۱) خشایارشا در نصب مدخل دروازه ملل از آشور تقلید کرده است و گاوهای بالدار که وی بر سردر این دروازه نصب کرده بود کاملاً تقلیدی از آن‌ها می‌باشد. (سید و بابایی توسکی، ۱۳۹۳، ۷۵) با این تفاوت که در پیکره های آشوری تعداد پاها در نمای نیمرخ ۴ عدد است، اما در نمونه های تخت جمشید و پاسارگاد تعداد پاها در نمای نیمرخ ۳ عدد می‌باشد و بال های موجود بر پشت پیکره ها نیز در نمونه های تخت جمشید و پاسارگاد برخلاف آشوری که صاف می‌باشند، در اینجا با قوس و انحنای رو به بالا کشیده شده‌اند. علاوه بر معماری پیکره ای که در دروازه‌های ورودی کاخ های هخامنشی با اقتباس از آشوریان استفاده شد، در سرستون های موجود در تالارهای ستون‌دار نیز، الگوهایی از هنر و معماری بین النهرینی را می‌توانیم مشاهده کنیم. این سرستون ها در اشکال متنوع مانند گاو، شیر، گریفین، لاماسو در کاخ های هخامنشی با تاثیر از بین النهرین به کار رفته اند. در مورد کاربرد این نوع ترکیبات در قالب سرستون، شاید بتوان گفت فقط در دوره هخامنشی صورت گرفته است اما فرم و شکل استفاده شده در این سرستون ها همواره مورد بحث بوده است. در این زمینه نمونه هایی از سرستون ها با تاثیر از معماری پیکره ای (لاماسو) آشوری به کار گرفته شده است، مانند سرستون با بدن گاو و سر انسان (گاو مرد) به صورت ترکیبی که در کاخ شورا و محل سربازان در تخت جمشید کشف شده و قابل مقایسه است با نگهبان کاخ سارگون دوم در دور-شاروکین هرچند در نمونه استفاده شده در دروازه‌های ورودی گاو حالت ایستاده و دارای بال می‌باشد، اما در مورد سرستون ها، گاو حالت نشسته و فاقد بال است. (خوشبخت و خواجوی، ۱۳۹۸، ۱۰۷۱)

۳-۴- حجاری و نقوش برجسته:

در مجموعه ساختمان‌های تخت جمشید نقوش نیم برجسته ردیف شده بر سنگ دیوارها هنر آشور و بابل در سده‌های نهم تا هفتم ق.م را به یاد می‌آورد. (مرزبان، ۱۳۹۰، ۳۲) تالار بار عام داریوش، تخت جمشید حدود ۵۰۰ ق.م شیرهایی که

6th International Conference on Language, Literature, History and Civilization

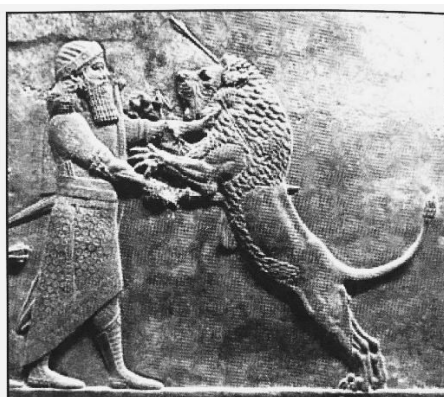
COMSTech Inter-Islamic Network on Virtual Universities

Holding time: September, 2021

Georgia - Tbilisi

گاوها را می دریدند و شاهان که در حال کشتن شیر بودند، بزرگانی که به صف آماده ی ورود به بارگاه بودند، از نقش برجسته های مهم تخت جمشید هستند. (سید و بابایی توسکی، ۱۳۹۳، ۷۴) در تخت جمشید برخلاف کاخ هایی که در جهان ساخته شده است، اغلب حکاکی های برجسته توأم با فکر و اندیشه می باشد و هیچ نقشی که از جنایتکاری گفتگو نماید یا صحنه های عیاشی و خوش گذرانی را نشان دهد، دیده نشده است. و هدف بنیانگذاران آن گردآوری هنرهای جهان در یک جا و به نمایش گذاشتن شوکت و عظمت ایران و ثابت باقی گذاشتن باورها و ایدئولوژی خودشان در قالب هنر بوده است. (کاظم زاده رائف و میردریکوندی، ۱۳۹۹، ۹)

در چهار درگاه شرقی و غربی تالار تخت، در تخت جمشید نقش برجسته هایی از نبرد شاه با مظاهر اهریمنی ایجاد شده است که شامل حیوانی بالدار با سر و تنه و پای شیر و دم عقرب و چنگال عقاب، گاو وحشی، شیر، مرغ شکاری. علاوه بر اینها در گوشه پنجره های تالار صدستون، پادشاه به عنوان قهرمان مغلوب کننده هیولاها نقش شده است و همچنین در درگاه های کاخ اختصاصی داریوش اول نیز نقش برجسته هایی با مضمون شاه مغلوب کننده ایجاد شده که در درگاه شرقی شاه با شیری که بر روی دو پا ایستاده مبارزه می کند و در درگاه غربی شاه در حال مبارزه با هیولایی است شیرتن، بالدار و عقرب دم، که مظهر چیرگی شاه بر پلیدی ها است. نمونه این نقش برجسته ها را می توان در کاخ شمال غربی آشورنصیرپال دوم و کاخ شمالی آشوربانیپال در نینوا مشاهده کرد. با توجه به کتیبه ها و نقوش برجسته، الگوی شکار شیر برای پادشاهان بین النهرینی موقعیت مهمی محسوب می شده است. این الگوها با تعدد ورودی ها در کاخ های آشوری که در تخت جمشید هم مشهود است فضای مناسب برای ایجاد نقوش با مفهوم اسطوره ای و قهرمانی شاه بوجود آورد. (خوشبخت و خواجهوی، ۱۳۹۸، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳)



تصویر ۱۲: نبرد آشوربانیپال با شیر، بخشی از نقش برجسته کاخ وی. موزه بریتانیا



تصویر ۱۱: صحنه نبرد با حیوانات، نقش برجسته تالار صدستون تخت جمشید

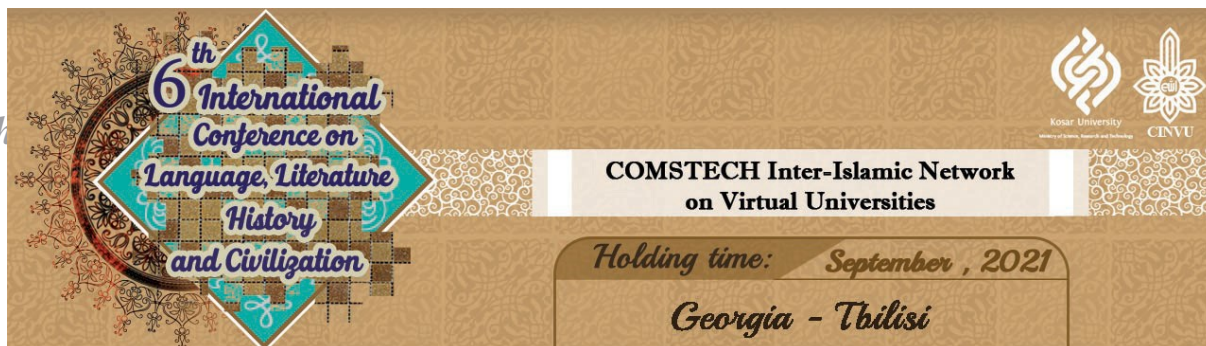


منبع: موسوی، ۱۳۹۰، ۲۲۵

منبع: موسوی، ۱۳۹۰، ۲۲۳

از عناصر مهم معماری در کاخ های تخت جمشید که بیشترین سطح دیوارهای سنگی را پوشانده، حجاری هایی هستند که در قالب نوارهای تزئینی و مصور از گروه های هدیه آورنده برای شاه ایجاد شده اند. این نوارهای حجاری شده که بصورت داستان گونه افرادی را در حال حمل هدیه برای شاه نشان می دهند، در هنر آشوری مشهود است و نمونه نسبتا مشابه آن بر روی درفش اور در بین النهرین موجود است که در بین نوارهای تزئینی تصاویر مختلف از جمله حیوانات اهلی که برای تدارک جشن پیروزی شاهانه به درون اور آورده می شوند ایجاد شده است و همچنین بر روی دروازه برنزی پالاوات نمونه های مشابه دیگری ایجاد شده که بخشی از آن نشانگر حمل کالا توسط فینیقی ها برای هدیه دادن به شمالنصر سوم پادشاه آشوری است. علاوه بر حجاری هدیه آورندگان در بین نوارهای تزئینی، صحنه بار عام شاه و مظاهر قدرت او با الگوهای آشوری قابل مقایسه است. نمونه این نقش برجسته را می توان در دیوار کاخ شمالغربی آشورنصیرپال دوم مشاهده کرد و الگوهای قدیمی تر آن نقاشی های دیواری شامل صحنه باریابی شاهی از اتاق ۴۷ کاخی از تل بارسپ هستند همچنین نمونه حمل تخت شاهی بر بالای سر تعدادی نماینده که در نقوش برجسته تخت جمشید و نقش رستم قابل مشاهده است از کاخ جنوب غربی سناخریب در نینوا به دست آمده است. (خوشبخت و خواجه، ۱۳۹۸، ۱۰۷۵)

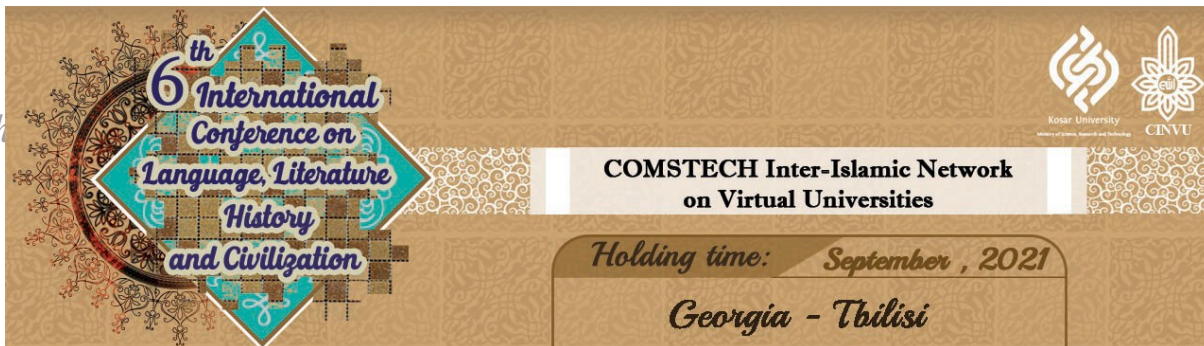
حجاری هخامنشی آمیزه ای از قدرت، وقار و عظمت همراه تجربیات هنری اعصار قبل به خصوص آثار آشوریان است. ولی در حجاری های ایرانی ظرافت در آثار بیشتر است و حجم پردازی ها طبیعی تر هستند. مثل حجاری " تاجگذاری داریوش" در دروازه های تخت جمشید. (کاظم زاده رائف و میردیکوندی، ۱۳۹۹، ۹) در حجاری شمایل داریوش نیز، تزئین تاج، ریش و قرص خورشید بالدار بالای سر داریوش از تزئینات آشوری الهام گرفته است. (ولایتی، ۱۳۸۹، ۹۰) هرچند منشا اولیه گوی بالدار را مصر در نظر می گیرند اما شکل هخامنشی آن تقلیدی از هنر آشور است. نمونه آشوری آن را می توان در کاخ شمالغربی آشورنصیرپال دوم مشاهده کرد که بعنوان رب النوع در نظر گرفته شده و بر نقش گوی



بالدار هخامنشی تقدم دارد. این گوی بالدار اگر بدون تصویر ایزد باشد، مظهر شمس ایزد آفتاب در نظر گرفته می شود، اما اگر با تصویر ایزد باشد مظهر آشور می شود. (خوشبخت و خواجوی، ۱۳۹۸، ۱۰۷۶)

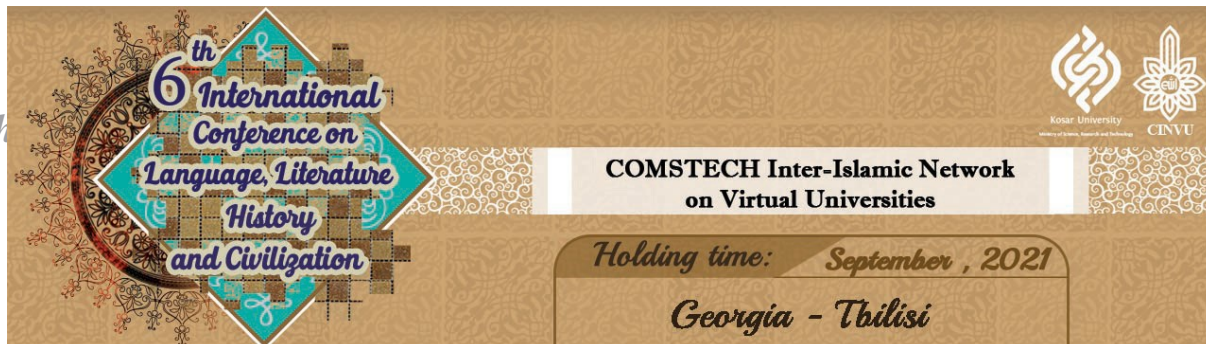
جدول ۱: شرح تاثیر ملل مختلف بر معماری تخت جمشید گردآوری: نگارندگان

اجزای معماری تخت جمشید	خاستگاه (منشأ و محل الهام از دیگر تمدن ها)
صفه	(روش تراش صخره) معماری هیتی ها / اورارتو
پلان	بین النهرین: کاخ های آشور (سارگون خورساباد)
پلکان	بین النهرین: معبد موزاییک اوروک، پرستشگاه و زیگورات آنو- ادد آشور
درگاه	مصر: کاخ آخناتون
تالار ستوندار	تمدن های بومی - با نقشه ایرانی (تپه حسنلو، نوشیجان تپه، گودین تپه) / تالار های اورارتویی
قلمه ستون	مصر (قاشقی) / یونان (خیاره ای)
سرستون	بین النهرین، آشور: پیکره های اساطیری / مصر، بخش توماری / یونان، سرستون ایونیک
کنگره	بین النهرین / اورارتو
دروازه	بین النهرین، دروازه ارگ سارگون دوم - دورشروکین (خرساباد)
نقش برجسته	بین النهرین: کاخ شمالغربی آشورنصیرپال دوم، کاخ شمالی آشوربانپال (نینوا) کاخ جنوب غربی سناخریب (نینوا)، تل بارسپ
کتیبه های روی بنا	بین النهرین / ایلام / اورارتو

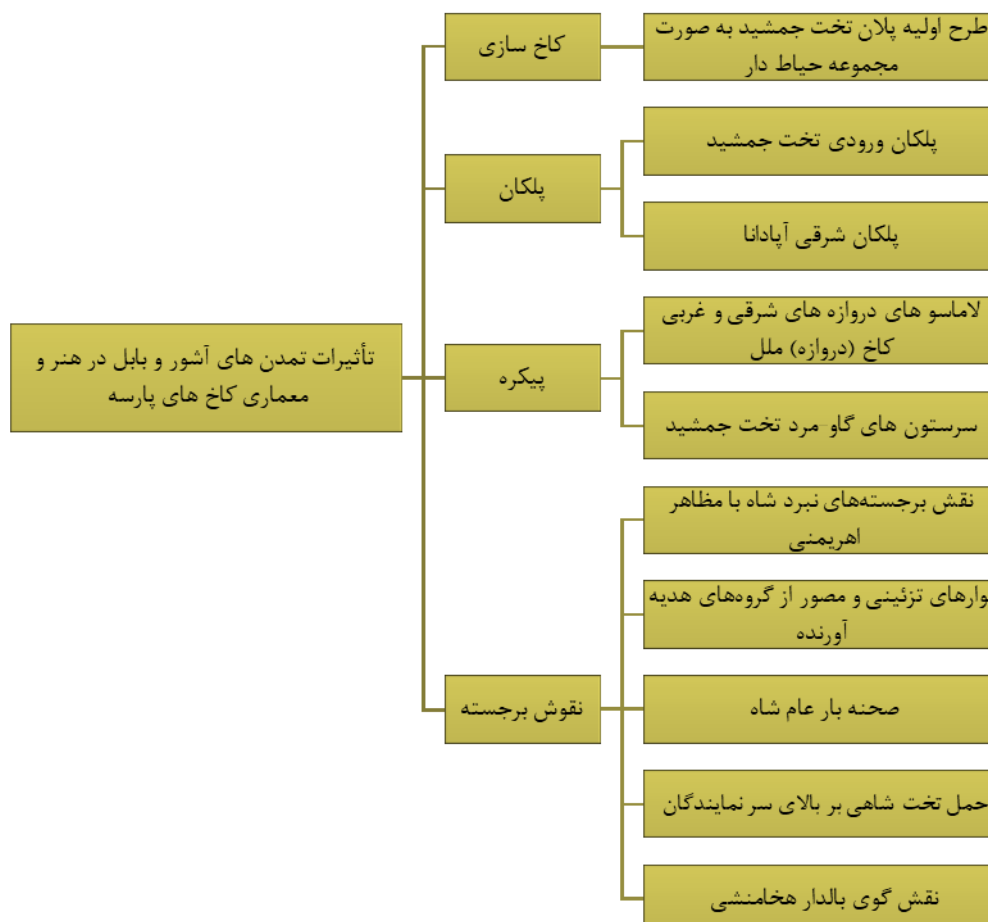


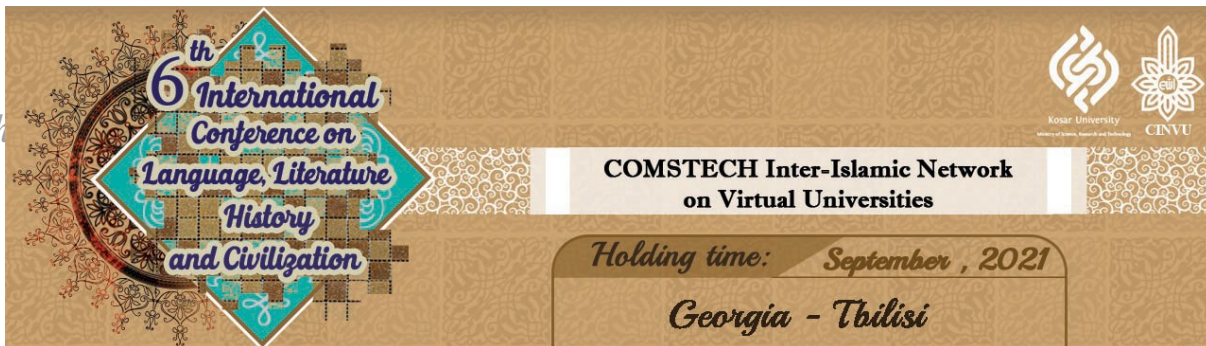
بحث و نتیجه گیری

هنر هخامنشی به عنوان هنری التقاطی، تلفیقی است از الگوهای بومی و غیر بومی که ریشه های آن را می توان در تمدن های پیشین و همجواری یافت. هخامنشیان در هنر و معماری، در کاخ های خود، عناصر ایلامی، مادی و اورارتو را تکامل بخشیدند و از مللی چون بین النهرین، مصر، یونان و ... تأثیر پذیرفتند. که در این میان، تمدن های میان رودان، سهم عمده ای داشتند. الهام از سبک های مختلف توسط هخامنشیان با ایجاد تغییراتی هوشمندانه برای سازگاری با اندیشه و فلسفه و خواسته ی پادشاهان زمانه خود و به گونه ای کاملاً هنرمندانه، توأم با نوآوری و بداعت صورت گرفته، به طوری که توانسته هنر و معماری خود را به صورت سبکی جامع و منحصر به فرد به نام سبک پارسی به جهانیان ارائه کند. که در این راستا هنرمندان و پادشاهان هخامنشی کاخ های با شکوه و کم نظیری همچون کاخ های پارسه را به یادگار گذاشتند. در مجموعه کاخ های پارسه که توسط داریوش هخامنشی پایه گذاری شد، عناصر معماری مختلفی را می توان یافت که ریشه ی آن ها در معماری بناهای آشوریان و بابلیان کاملاً مشهود و قابل مقایسه است. به عنوان مثال، الگوپذیری از هندسه پلان در کاخ های آشوری، در طرح کلی و ابتدایی تخت جمشید (مجموعه های حیاط دار) قابل مشاهده است، که با اعمال تغییرات و تلفیق با سبک های سایر ملل تابعه و شیوه های بومی، تالارهایی ستون دار در کاخ هایی نظیر آپادانا به وجود آمده است. از دیگر هنرهای اقتباس یافته می توان به معماری پیکره های سنگی دروازه ملل و سرستون های التقاطی، نقش برجسته ها، حکاکی های دیواره ها و پلکان های تخت جمشید، اشاره نمود. که به طور کلی در نمودار ذیل درج گردیده است:



نمودار: تأثیرات تمدن های میان رودان در آثار هنری و معماری مجموعه کاخ های پارسه ی هخامنشی





منابع

- ۱- گاردنر، هلن. ۱۳۸۱. هنر در گذر زمان. ترجمه: محمد تقی فرامرزی. تهران. آگاه، نگاه. چاپ پنجم.
- ۲- موسوی، مهرزاد. ۱۳۹۰. جستاری در پیشینه ی هنر هخامنشی. شیراز. رخسید. چاپ اول.
- ۳- ویسی، مهسا. ۱۳۹۸. پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ماهنامه علمی پژوهشی. سال نوزدهم، شماره چهارم، صفحه ۱۵۵ تا ۱۶۷.
- ۴- پیرنیا، محمد کریم. ۱۳۸۷. سبک شناسی معماری ایران. تهران. سروش دانش. چاپ سیزدهم.
- ۵- زارعی، محمد ابراهیم. ۱۳۸۳. آشنایی با معماری جهان. همدان. فن آوران. چاپ سوم.
- ۶- سید، دکتر محمود و بابایی توسکی، مهناز. ۱۳۹۳. بررسی سبک و اسلوب معماری دوره هخامنشیان. پژوهش نامه تاریخ، دوره ۱۰، شماره ۳۷. صفحه ۱ تا ۲۰.
- ۷- کاظم زاده رائف، محمدعلی و میردریکوندی، صبا. ۱۳۹۹. بازشناسی تحلیلی نوآوری و بداعت در معماری النقطاتی کاخ های پارسه با تأکید بر عناصر معماری سنگی. چهارمین کنفرانس بین المللی زبان، ادبیات، تاریخ و تمدن.
- ۸- امیرخانی، آرین و همکاران ۱۳۸۷. تأملی بر چگونگی تکوین مفاهیم اصولی معماری منظر و تبلور آن در منظر ایران باستان (از ابتدا تا پایان دوران هخامنشی). معماری و شهرسازی آرمان شهر. دوره ۱. شماره ۱. صفحه ۴۵ تا ۵۷
- ۹- خوشبخت، داریوش و خواجهی، فاطمه، ۱۳۹۸، هویت معماری هخامنشی بررسی تاثیر معماری آشور و بابل نو در معماری هخامنشیان. اولین کنفرانس ملی دوسالانه باستان شناسی و تاریخ هنر ایران، بابلسر
- ۱۰- مرزبان، پرویز. ۱۳۹۵. خلاصه تاریخ هنر. تهران. انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ بیست و یکم.
- ۱۱- محمدی فر، یعقوب و میرصفدری، شراره السادات. ۱۳۹۳. سبک شناسی معماری هخامنشی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی. شماره ۱۶. صفحه ۱۹ تا ۲۸
- ۱۲- ولایتی، رحیم. ۱۳۸۹. تأثیر هنر ملل تابعه امپراتوری هخامنشیان بر هنر و معماری آنها. باغ نظر. دوره ۷. شماره ۱۴. صفحه ۸۷ تا ۹۴
- ۱۳- ولایتی، رحیم. ۱۳۹۶. بررسی و مقایسه ی تناسب های انسانی در هنر مصر و ایران دوره ی هخامنشیان. مجله مطالعات باستان شناسی، سال نهم. شماره ۲. صفحه ۲۱۱-۲۲۷.
- ۱۴- معتمدمنش، مهدی. ۱۳۹۷. معماری سلطنتی هخامنشی: نمادی از فناوری و خرد انسانی در عهد باستان. مطالعات معماری ایران، دوره ۷. شماره ۱۳. صفحه ۵ تا ۳۲.